

# لزوم حمایت قاضی از ذیحق

دکتر سواد کوهی

معاون دادگستری استان تهران

مقدمه :

بدون تردید اموری مانند حرمت میل قاضی به سود یک طرف دعوی<sup>(۱)</sup> ونهی او از تبعیت از هوی<sup>(۲)</sup> و ممنوعیت اعمال نظروغرض<sup>(۳)</sup> و اصل بیطرفی قاضی<sup>(۴)</sup> از ارکان مهم قضامیباشند. اما امر قضا و وظیفه احقاق حق و پاسداری از عدالت ، در مسائل فوق خلاصه نشده است تاریخ قضاوت در ایران و کشورهای مختلف حکایت از دعاوی دارد که به صرف بیطرف ماندن دادرس ، مسئولیت خطیر و پرظرافت احقاق حق، قابل وصول نبوده است .

به موازات اصل بیطرفی ، مسئله لزوم پشتیبانی قاضی از مظلوم که به مقتضیات قانون محق تشخیص داده شده است ، یکی از مهمترین و حساسترین ارکان قضاء بشمار میرود.

با پرداختن به این اصل در مسائل کیفری (بخش اول) و حقوقی (بخش دوم) بررسی و مروری نیز در مقررات داخلی و خارجی خواهیم داشت تا پس از ذکر ابعاد و ویژگیهای مسائل مذکور به نتیجه گیری و جمع بندی کلی مطالب برسیم .

## ◇ بخش اول - در مسائل کیفری

### ۱- مقررات خارجی

تقریباً از دهه اخیر در مسائل جنایی قائل به این نوع دادرسی شده است و دوم کشورهایی که در غالب مسائل کیفری، جدایی مرحله تحقیق از مرحله دادرسی را قبول نموده اند، مانند فرانسه<sup>(۵)</sup> که مطابق ماده ۷۹ ق. آ.د. ک. در آن کشور مرحله تحقیقات مقدماتی و بازپرسی در امور کیفری الزامی بوده و در سایر امور اختیاری میباشد. دادرسی اصولی در این سیستم نهادی است که جایگاه ویژه ای در رسیدگی به جرائم داشته و با جمع آوری دلائل و انجام تحقیقات مدافع طرفی است که قربانی حادثه گردیده است. بندیک ماده ۸۱ ق. آ.د. ک. فرانسه میگوید : "بازپرس مطابق با قانون ، به کلیه عملیات اطلاعاتی اقدام مینماید که بنظری برای ظهور حقیقت مفید میباشد ." ماده ۱۶۱ ق. آ.د. ک. آلمان فدرال نیز مقرر میدارد : دادرسی میتواند به کلیه اعمال تجسسی و پژوهشی دست یازد " وی در تمامی مراحل دادرسی ، حافظ و مدعی حقوق عمومی است که بلحاظ وقوع بزه صدمه دیده است و در آنچه میخواهد و بدان معتقد است قاضی محکمه راحتی پس از صدور رای نیزها نمی کند ، لذا نگاهیانی است که به او عنوان مدعی العموم داده شده است

در امور کیفری میتوان دو سیستم رادر کشورهای مختلف مورد شناسائی و تفکیک قرارداد. پاره ای از سیستمها باینذ توجه به اصل بیطرفی ، وظیفه حساس دیگری رانیز برای قاضی مورد قبول و تأکید قراردادده اند. در این نوع سیستم بر قاضی فرض دانسته اند که فرد خاطی و مقصر را که بر خلاف عدالت اجتماعی و عدم رعایت حقوقی سایرین عمل نموده است ، به هر وسیله شناسائی کرده و به مجازات و کیفر عملش برساند. توجیه این نوع حمایت از طرف ذیحق و تعقیب مجرم همانا دفاع از مظلوم یافرد و اجتماع صدمه دیده است. تعارضی بین اصل بیطرفی و جانبداری از حق در این حالت نیست زیرا قاضی وظیفه تعیین شخص متعدی و متجری را برعهده دارد و از تکالیف سنگین و قانونی اوست که برای سلامت و صحت اجتماع ، فرد جانی و مجرم را به مجازات برساند.

سیستم دیگری نیز وجود دارد که در آن بنا بعلل گوناگون، مرجع نهاد دیگری وظیفه دفاع و پیگیری را برعهده دارد؛ در این نوع سیستم قضائی دو قسم گرایش وجود دارد : اول کشورهایی که فقط در مسائل مهم این جدایی را پذیرفته اند ، مانند انگلیس که

وقاضی محکمه باید برای این طرف دعوا حساب دیگری باز نماید.

به تعبیر دیگر وظیفه اساسی دفاع از طرف ذیحق و مظلوم که در سیستم نوع اول بردوش قاضی محکمه بود در این سیستم بر دوش قاضی دیگری است و قاضی محکمه صرفاً عهده دار وظیفه تشخیص حق و اجرای قانون و داوری میان مدعی العموم و مدعی خصوصی و فردمتهم یا مظنون به ارتکاب جرم می باشد.

۲- مقررات داخلی:

از دوسوع سیستمی که در مقررات خارجی ذکر شد، قانونگذار کشور ما پس از انقلاب اسلامی گرایش خود را به نوع اول نشان داده است. ماده ۲۷ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوانعالی کشور مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۶۸، زمانی که هنوز دادرسیهای عمومی از تشکیلات دادگستری ها حذف نشده بودند، دامنه تکلیف دادگاه را گسترده نموده و بایکی کردن مرحله تحقیق و دادرسی و محول کردن آن به قاضی دادگاه مقرر میداشت "قاضی دادگاه کیفری در کلیه جرائم، نظریه اوضاع و احوال قضیه میتواند تعقیب و محاکمه متهم را بلافاصله و مستقیماً در دادگاه آغاز نماید و چنانچه محاکمه نیاز به تحقیقات مقدماتی داشته باشد میتواند تحقیقات را راساً انجام دهد..." تا اینکه با قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۵ تیر ۱۳۷۳ موجبات انحلال دادرسیهای عمومی و انقلاب را فراهم داشته و ماده یک قانون مزبور صلاحیت عام را برای قاضی دادگاه منظور داشته و اعلام نمود: "بمنظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد، دادگاههایی با صلاحیت عام بشرح مواد آتیه تشکیل میشوند، مضافاً اینکه مطابق ماده ۱۴ همان قانون تمامی اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تا ختم قضیه بوسیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت. با عنایت به متن صریح ماده یک و ۱۴ و بالحاظ نمودن تبصره ماده ۱۲ قانون مذکور، وظایف مدعیان عمومی از تاریخ اجرای این قانون عمدتاً بردوش قضات محاکم قرار گرفت. با توجه به اینکه رؤسای دادگستری در جهت تعقیب و تحقیقات مقدماتی و تفتیش، ابزار و وسائل دادستان را در اختیار ندارند باید اساساً قبول نمود که انجام تمامی این امور عملاً" بعهده قضات محاکم گذاشته شده است؛ لہذا در جهت تأیید موضوع بحث، من بعد اوطرف خطاب مواد ذیل الاشعار (قابل اجراء قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷/۴/۲۷) قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات مصوب ۷۰/۸/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام است که مقرر میدارد:

ماده ۱۷۶: "مدعی عمومی در هر دعوایی که مداخله

به موازات اصل بیطرفی،  
لزوم پشتیبانی قاضی از مظلوم  
یکی از مهم ترین ارکان قضاء  
میباشد.

مینماید، باید طرفدار حق بوده و با افکار و رأی خود طرفی را که به مقتضیات قانون محق فهمیده است تقویت نماید."

ماده ۷۹: "مدعی های عمومی مکلفند اعمالی را که متضمن خلاف، جنحه و جنایت است تفتیش و تعقیب نمایند."

ماده ۸۰: "وظایف مدعیان عمومی از حیث تفتیش و تعقیب مجرمین و حدود اختیارات آنها در اصول محاکمات جزایی و قوانین دیگر مقرر شده است."

در این راستا مطابق ماده ۴۸ ق.آ.د.ک "مدعی العموم و همچنین مستنطق میتواند تحصیل اطلاعات، اجرای تفتیشات، تحقیق از شاهد، جمع آوری دلایل و امارات جرم و یا هر اقدام دیگری را که برای کشف جرم لازم میدانند به کمیسر نظمی یا مأمور صلح و یا صاحب منصب امنیه با تعلیمات لازم ارجاع نماید. خلاصه اینکه دادگاه با استفاده از ماده ۴۸ ق.آ.د.ک و مواد ۷۶ و ۷۹ قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات، باید اولاً طرفدار حق باشد و با افکار و آراء خود مبادرت به تقویت طرفی نماید که به مقتضیات قانون محق تشخیص داده است و در ثانی هر اقدامی که برای کشف جرم لازم میدانند بعمل آورد.

### ◇ بخش دوم: در مسائل حقوقی

در مسائل کیفری، جنبه عمومی جرم و تعدی و تقصیر مجرمانه شخص، عامل موجهی برای مداخله قاضی بشمار میرفت اما در امور حقوقی این عنصر نمود و ظهور آنچنانی ندارد. مجازات در امور حقوقی مبنایست، با این که همین دلائلند که عمدتاً محور داوری و اثبات حق میباشند و به همین لحاظ بحث در مسائل حقوقی از ظرافت خاصی برخوردار است. پس از امعان نظریه حقوق خارجی، مقررات داخلی را بررسی خواهیم نمود.

۱- نظریه به حقوق خارجی:

پس از مروری اجمالی به دوسیسستم دادرسی سابق حقوق خارجی، گرایش فعلی حقوق فرانسه<sup>(۶)</sup> را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

امکان، باتوسل به اصول وقاعده های حقوقی برضد خنثی شدن دادرسی عمل کند، عمده ترین اشکال وارد براین سیستم همانامخدوش شدن حق دفاع برای طرفین دعواست. امامتاسفانه این نوع دادرسی چون حربه ای در دست رژیمهای استبدادی بکاررفته است.

### ج - نگاهی به سیستم فعلی حقوق فرانسه :

برای پی بردن به گرایشات فعلی حقوق فرانسه نیازی به جستجوی بسیاردرلابلای موارد مختلف نیست، قانونگذار در آغاز مجموعه قوانین مربوط به آئین دادرسی مدنی باین مهم پرداخته و تکلیف راروشن کرده است. مطلع کلام رابه اصول راهبر در دادرسی اختصاص داده است وبادقت بسیار با حذف نقاط ضعف دوسیستم اتهامی و تفتیشی، تلفیقی ازآن دو راعرضه مینماید. مطابق ماده یک قانون آئین دادرسی مدنی، اصحاب دعوی دارای اقتدار و اختیارند تا طرح دعوی نموده و قبل ازاینکه بواسطه حکم دادگاه یا قانون، دعوی پایان پذیرد به آن خاتمه دهند.

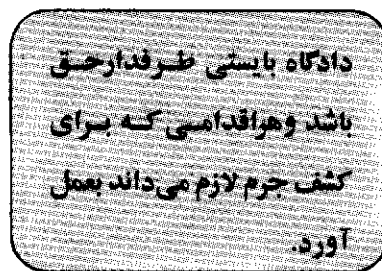
ماده ۲ قانون مزبور رهبری دعوی منطبق براصول قانونی رادر قالب لوایح ورعایت مواعد مقرر در قانون، بعهده طرفین دعوی گذاشته است. طبق ماده ۳ آن قانون قاضی نقش پاسداری از رعایت صحیح مقررات دادرسی را داشته وبه اودراعطاء مهلت ومقررداشتن اقدامات واجرای امور ضروری اختیار داده شده است. مهمتر از تمامی مطالب مذکور، اختیاراتی است که در ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی مدنی به قاضی داده شده است: ماده ۱۰ میگوید "قاضی دارای حق هرگونه تحقیقی است که برای کشف حقیقت لازم بداند، چنانچه قانوناً قابل اعمال باشد".

### ۲- نظری به حقوق داخلی

#### الف - در قوانین قبل از انقلاب اسلامی :

دوماده بطور عمده مورد توجه قرار میگیرد، ماده ۳۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی وماده ۸ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری که در تاریخ ۱۳۵۶/۳/۲۵ بتصویب رسید، اماماده ۳۵۸ مهمترین عامل خنثی کردن قاضی تلقی میشد، این ماده مقرر میداشت که: "هیچ دادگاهی نباید برای اصحاب دعوی تحصیل دلیل کند بلکه بایستی فقط به دلائلی که اصحاب دعوی تقدیم یا اظهار کرده اند رسیدگی کند."

ماده مزبور سیستم دادرسی اتهامی رابیاد آورده واحکام آنرازنده میکند. این ضایعه تازمان تصویب قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری وجود داشت، یعنی تازمانی که ماده ۸ آن قانون مقرر داشت: در رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی ارزش وموعد اقامه دلائل برای اصحاب دعوی همان است که در قانون آئین دادرسی مدنی پیش بینی شده ولی دادگاه میتواند هرگونه تحقیق



### الف - دادرسی اتهامی :

#### Procedure accusatoire

این سیستم قائل به نقش برتر برای طرفین دعواست. طرفین از حیث راه اندازی، تعلیق و یا متوقف کردن دعوی دارای اختیار و راهبرند. در این سیستم باور بر این است که دعوا وسیله ای است برای جلب رضایت طرفین، استیفاء حق وبرقراری منافع آنان، این طرفین دعوایند که منحصرأ عهده دار اثبات مدعای خود میباشند. قاضی در این سیستم اختیاری در اثبات حق ندارد. قاضی داوری است که پس از استماع اظهارات و ادله طرفین اصدار حکم میکند. به تعبیری او همچون بچه مؤدبی است که فقط وقتی حرف میزند که از او چیزی بپرسند این نوع دادرسی نوعاً شفاهی، علنی و ضرورتاً تدافعی است. در این نوع داوری ادله اثبات دعوی مطابق قانون مشخص واحصاء شده اند و قاضی از عمل به علم خود ممنوع میباشد. دواثر عمده نامطلوب در این دادرسی وجود دارد:

یکی اینکه درانتظار پاسخ و ارائه دلائل طرف دیگر دعوی بودن، اسباب کندی دادرسی رافراهم میکند ودوم اینکه به قاضی اختیار داده نشده است تا در مقابل بی تحرکی اصحاب دعوی اقدامی راهبر و راهگشاداشته باشد.

### ب - دادرسی تفتیشی :

#### Procedure inquisitoire

برخلاف دادرسی اتهامی، به قاضی نقش فعال و پرتحرک اعطاء کرده وبسرای او در مقابل طرفین دعوی حتی در جمع آوری دلائل برتری اساسی قائل میشود. دادرسی در این سیستم ترجیحاً بصورت نوشته، غیر علنی وغیر تدافعی است. مضافاً به اینکه جایگاه ممتازی برای علم قاضی یا افتناع وجدان قاضی در کنار سایر ادله منظور شده است.

دادرسی در این سیستم امری است در خدمت عموم ونتیجتاً طرفین دعوی حق ندارند بی تحرکی و خنثی شدن دادرسی رابعث شوند، به قاضی اختیار داده شده است تا در حد اعلای

قوانین مابینگراختیاراتی  
 هستند که دست قاضی را برای  
 انجام مسئولیت خطیرش  
 بازگذاشته‌اند.

ویا اقدامی را برای کشف واقع بعمل آورد و در مواردی که بر دادگاه معلوم باشد استناد یا تقاضای یکی از طرفین موثر در اثبات ادعانیست دادگاه میتواند با استدلال از ترتیب اثر دادن به آن خودداری کند.

تصویب این ماده شور و شعفی را در بین حقوقدانان بوجود آورد تا آنجا که حتی بعد از انقلاب نیز مقاله ای پیرامون آن به چاپ رسید که این نکته را در برداشت: «شک نیست که این نوع رسیدگی حافظ حقوق و منافع اصحاب دعوی خواهد بود و نتیجه مطلوب را که احقاق حق است، تامین خواهد کرد»<sup>(۷)</sup> و اینکه: «قضات علاوه بر سیاهی سطور پرونده باید سفیدیهای سطور را هم بخوانند.»<sup>(۸)</sup>

### ب - در قوانین بعد از انقلاب :

کمتر از یکسال بعد از انقلاب اسلامی در لایحه ای قانونی راجع به تشکیل دادگاههای عمومی که در مورخه ۱۳۵۸/۷/۱۰ به تصویب رسید شاهد تدوین ماده‌ای بودیم که به لحاظ ارتباط آن با اصول دادرسی اسلامی حائز اهمیت بسیار می‌باشد و مهر صحتی است بر این مطلب که انجام تحقیقات و اقدام به کشف حقیقت و وظیفه‌ای است که قاضی می‌بایست از آن در احقاق حقوق طرفین دعوی استفاده نماید. ماده مزبور مشعر این است که «در کلیه امور حقوقی دادگاه (اعم از دادگاه یا دادگاه صلح) علاوه بر رسیدگی به دلائل مورد استناد طرفین دعوی، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد، انجام خواهد شد. در تشکیلات فعلی دادگاههای عمومی و انقلاب نیز به تجویز ماده ۸ قضات دادگاههای عمومی و انقلاب مکلفند به دعوی، شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه رسیدگی کرده و حکم قضیه مطروحه را صادر نمایند. میتوان در مانحن فیه قائل باین شد که در مواردی که قانون و احقاق حق اقتضاء دارد، دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلائل مورد استناد طرفین دعوی، هرگونه تحقیق یا اقدامی را که برای کشف حقیقت لازم می‌داند می‌بایست انجام دهد.

علاوه بر تجویزات مذکور در موارد فوق‌الذکر، آیا راجع به اعتبار علم قاضی تصریحی شده است یا خیر؟ باید گفت ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی تکلیف را مشخص و مقرر داشته است:

«حاکم شرع می‌تواند در حق اله و حق الناس به علم خود عمل کند. هرچند استفاده از علم و قضاوت بر مبنای آن خود جای بحث مفصل دارد، لیکن با توجه به اینکه دانش و فنون موجود راه را برای احقاق حق و اجراء عدالت آسان نموده است می‌توان مشکلات احتمالی ناشی از ادله را کنار زد چنانچه یکی از حقوقدانان ضمن بررسی این مطلب گفته است: «با شناخت صحیح از زمان آنچنان که از علی(ع) در تحف العقول<sup>(۹)</sup> آمده

است و با دستور کلی قرآن که از علم آزاد حمایت کرده است، میتوانیم مشکلات احتمالی در گردش ادله اثبات دعوی را که اساس احقاق حق است از پیش پای مردم برداریم بدون اینکه خدشهای بر وجدان وارد کرده و یا حقی را تباه گردانیم.»<sup>(۱۰)</sup>



### نتیجه :

علیرغم مشکلاتی که از جهات مختلف ممکن است برای دادرس، در کشورمان تصور شود، فرضاً در مسائل کیفری که وظیفه بدوش کشیدن و ظایف مدعی العموم خاصه در جرائم سنگین از جمله جرائم ضد امنیت ملی، ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری به عهده اوست<sup>(۱۱)</sup> و همینطور مشغله بیش از حد او به علت کثرت پرونده‌ها و بار اضافی دادگاهها که بایستی تحقیقات جداگانه ای برای تبیین علل آن صورت گیرد و صرفنظر از پراکندگی قوانین مربوط به وظایف دادرس و

اصحاب دعوی که بایستی در تدوین مقررات جدید آئین دادرسیهای حقوقی و کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مورد توجه خاص قرارگیرند، باید گفت که در حقوق ما، قوانین بیانگر اختیاراتی هستند که دست قاضی را برای انجام مسئولیت خطیرش بازگذاشته‌اند و به او اجازه می‌دهند تا ضمن توسل به اقدامی جهت کشف حقیقت، از علم خود نیز بهره گیرد. پایان کلام را به فرامین مقام معظم ولایت و رهبری اختصاص می‌دهیم آنجا که تکلیف را در حمایت از مظلوم در محاکم و استفاده از علم قاضی مشخص نموده و جهت جلوگیری از سوءاستفاده آدمهای زرنگ و قانون دان امر فرموده‌اند:

### پاورقی :

- ۱- وسائل الشیعه ج ۱۸ کتاب القضاء باب تحریم الحیف فی المحکم والمیل مع احد الخصمین ص ۱۶۴
- ۲- فاحکم بین الناس بالحق ولاتبیع الهدی (آیه ۲۶ سوره ص).
- ۳- ماده ۳۴ ق. آ. د. ک
- ۴- ماده ۳۵۸ ق. آ. د. ک
- ۵- جهت مزید اطلاع مراجعه شود به دکتر گلدوزیان، کیفیت تحصیل دلیل در حقوق جزای فرانسه فصلنامه حق، دفتر پنجم فروردین خرداد ۱۳۵۶.
- ۶- ژان ژاک تن، تشکیلات قضائی چاپ سوم انتشارات دالوز ۱۹۹۲ صفحات ۱۳۴ و ۱۳۵.
- ۷- دکتر ناصح دولت آبادی، ماده ۸ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری نشریه دانشکده حقوق، دوردوم فروردین ۱۳۶۴ ص ۱۵۶.
- ۸- مرحوم وزیرزاده اخگر، مستشار سابق دیوان عالی کشور منبع سابق ص ۱۵۶.
- ۹- لابد للعامل من ثلاث ان ينظر فی شأنه ویحفظ لسانه ویعرف زمانه، یعنی آدم عاقل از سه کار ناگزیر است: الف - موقعیت خود را درک کند. ب - زمان خود را در اختیار داشته باشد. ج - زمان خود را بشناسد (تحف العقول ص ۲۰۳ امام علی علیه السلام).
- ۱۰- د. جعفری لنگرودی، علم آزاد در گردش ادله اثبات دعوی (در حقوق اسلام)، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران شماره ۲۱ اسفند ۱۳۵۸ - ص ۶۰ الی ۷۹.
- ۱۱- جهت مزید اطلاع مراجعه شود به ترجمه سند شماره E/cn.15/1994/11 وارجع به پیش نویس حداقل قوانین سازمان ملل متحد برای اداره عدالت کیفری بند ۲-۱ از اصول کلی دادرسی، ترجمه آقای گلچین تصحیح و بازنگری آقای رحیمی اصفهانی مرکز تحقیقات و پژوهشهای قوه قضائیه.
- ۱۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس دیوان عالی کشور و جمعی از قضات در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۲۱.

”گاهی بعضی مسئولین قضائی هم اعتراف می کنند که ما می دانیم این بی تقصیر است لیکن دستهای ما بسته است چون از نظر قانونی طرف مقابل زرنگ بوده و بگونه‌ای حرکت کرده که نمیشود به نفع این مظلوم کاری انجام داد، جای استفاده از علم اینجاست.“

”اگر کسی چون آدمهای زرنگ و قلدر - علاوه بر زور معمولی، زور قانونی هم داشته باشد، یعنی به طرق قانونی واقف باشد، بداند چه بکند که جنایت هم بکند؛ برگه ای هم نگذارد، قوه قضائیه خوب این است که جلوی این را هم بگیرد، فکراین را هم بکند.“ (۱۲).